

تحلیل شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در مکان‌های شهری با روش ارزیابی یکپارچه در محله شتربان شهر تبریز

اسلام کرمی¹، علی زینالی عظیم²، مصطفی بصیری³ و راحله عبدالهی⁴

تاریخ دریافت: 1399/10/26

تاریخ پذیرش: 1400/04/21

چکیده: کیفیت زندگی شهری (QoUL) یک مؤلفه مهم رضایت از شرایط کلی زندگی و تابعی از سطح نیازهای انسانی است و پیامدهای گسترده‌ای در سطح شهرها و محلات شهری دارد. کیفیت ذهنی زندگی شهری از ویژگی‌های عینی محیط شهری ناشی می‌شود. از این‌رو هدف تحقیق حاضر بررسی سطح کیفیت زندگی شهری با روش ارزیابی یکپارچه و تلفیقی شاخص‌های عینی-ذهنی براساس میزان رضایتمندی از تحقق نیازها است. روش تحقیق به‌صورت توصیفی-تحلیلی و پیمایشی است. حجم نمونه برابر 378 نفر از جمعیت شتربان است که از طریق فرمول کوکران به دست آمده است. در این مطالعه روشی که برای ارزیابی کیفیت زندگی در اماکن شهری به کار گرفته شده، بر مبنای لحاظ کردن نیازهای اساسی ساکنین در محله شتربان شهر تبریز و برگرفته از الگوی توسعه در مقیاس انسانی (HDS) مکس-نیف است. چون کیفیت زندگی شهری یک مفهوم چندوجهی است و از این نظر باید با استفاده از یک رویکرد یکپارچه، به‌طور کامل مورد مطالعه قرار گیرد. تجزیه و تحلیل اطلاعات با نرم‌افزار SPSS انجام شد. در نتیجه با ارزیابی یکپارچه کیفیت زندگی در محله شتربان تبریز مشخص شد که سطح رضایت از 6 شاخص از 10 شاخص به‌کار گرفته شده در سطحی متوسط (50 درصد) و بالاتر از آن است. 4 شاخص دیگر نزدیک و پایینتر از سطح متوسط (50 درصد) رضایت است که در نهایت امتیاز کلی ارزیابی یکپارچه برابر با 52/51 درصد نشان داد سطح رضایت از کیفیت زندگی شهری در محله شتربان تبریز در سطح متوسطی قرار دارد.

واژگان کلیدی: کیفیت زندگی شهری، شاخص عینی، شاخص ذهنی، توسعه در مقیاس انسانی، محله شتربان.

¹ استادیار، دانشکده مهندسی معماری و شهرسازی، دانشگاه صنعتی شاهرود، شاهرود، ایران. (نویسنده مسئول)

Islamkarami@shahroodut.ac.ir

² استادیار، گروه شهرسازی و معماری، عضو باشگاه پژوهشگران و نخبگان جوان، واحد تبریز دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

³ استادیار، گروه معماری و شهرسازی، واحد ایلخچی دانشگاه آزاد اسلامی، ایلخچی، ایران.

⁴ استادیار، گروه معماری، واحد ممقان، دانشگاه آزاد اسلامی، ممقان، ایران.

1- مقدمه

جهان با سرعتی بی‌سابقه در حال شهرنشینی است. طبق برآوردهای سازمان ملل، انتظار می‌رود نسبت جمعیت شهری جهان از 55% به 68% تا سال 2050 افزایش یابد. این پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد که جمعیت در مناطق شهری روز به روز افزایش پیدا می‌کند. این گسترش جمعیت (حدود 90%) بیشتر در آسیا به رهبری هند و چین و در آفریقا به رهبری نیجریه رخ خواهد داد (UN DESA, 2018). این افزایش جمعیت پیامدهای فضایی گسترده‌ای دارد. این رشد سریع شهری بدون شک چالش بزرگی را برای حفظ کیفیت محیط محلی و زندگی در شهرهای معاصر ایجاد می‌کند (Mittal et al., 2019). بنابراین هدایت تحقیقات بر روی درک سیستماتیک کیفیت زندگی در شهرها بسیار مهم است (Kazemi & Khabiri et al., 2018). مفاهیمی چون کیفیت زندگی و کیفیت محیط شهری، هنوز به طور واضح تعریف نشده‌اند و علوم مختلف با توجه به قلمرو مطالعه و نوع کاربرد آن، تعاریف متفاوتی از آن دارند؛ برای مثال، کیفیت محیطی، مفهومی است که مفاهیم دیگری را نیز در خود دارد (Ziari and Rafiee, 2015). در این راستا، مطالعات کیفیت زندگی شهری توجه بسیاری را در بحث‌های سیاسی و دانشگاهی در دهه‌های اخیر به خود جلب کرده است (Low et al., 2017)، امروزه ایده مطالعات کیفیت زندگی شهری، اندازه‌گیری و ارزیابی رابطه بین ویژگی‌های اجتماعی و شهری یک مکان از سوی بسیاری از محققان حمایت می‌شوند (Ahmadiania & Ferreirab, 2019)، پس کیفیت، صرف نظر از اینکه ماهیت اندازه‌گیری می‌شود، متشکل از ادراکات ذهنی و واقعیت عینی است، بنابراین، لازم است هم ابعاد عینی و هم ابعاد ذهنی و روابط بین آن‌ها را برای درک تجربه انسان از کیفیت زندگی شهری در نظر گرفت (Haslauer et al., 2014). مطالعات متعددی برای اندازه‌گیری علت و تأثیر بین شاخص‌های عینی و ذهنی انجام شده است، و مدل‌های مختلفی که نشان‌دهنده رابطه بین واقعیت عینی و تجربه ذهنی هستند پیشنهاد شده‌اند، برای مثال این مدل‌ها عموماً شامل متغیرهای متعددی هستند که در دیدگاه کلی کیفیت، در مقیاس‌های جغرافیایی

مختلف نقش به‌سزایی در این راستا دارند، چندین مطالعه تجربی در تلاش برای پیوند دادن ارزیابی کیفیت عینی و ذهنی در دهه گذشته انجام شده است (Von Wirth et al., 2014). برای تعیین اهمیت نسبی ویژگی‌های عینی مختلف برای درک ذهنی، لازم است که ارزیابی کیفیت عینی با ارزیابی‌های ذهنی با استفاده از مدل‌هایی که روابط بین هر دو بعد را بررسی می‌کنند، زمینه‌سازی شوند. بنابراین ارزیابی کیفیت زندگی (QoL) در شهرها و برنامه‌ریزی برای ایجاد مکان‌های انسانی هر روز بیشتر و بیشتر ضروری‌تر می‌شود (Macke et al., 2018)، مردم زندگی خود را در مکان‌ها یا مجموعه‌ای از مکان‌ها با ویژگی‌های خاص محیطی می‌گذرانند. وقتی به محلی (مکانی) اشاره می‌کنیم، معمولاً منظور، جغرافیا یا محیطی است که افراد و گروه‌های مختلفی از قبیل خانوارها، محلات و اجتماعات در آنجا زندگی می‌کنند (Elkhouly et al., 2019). این مکان‌ها می‌توانند در سطوح یا مقیاس‌های مختلفی از خانه گرفته تا محله و شهر یا منطقه وسیع‌تر یا یک ایالت یا کشور مورد نظر قرار گیرند. یک فرض اساسی این است که زیربنای بسیاری از رویکردهای برنامه‌ریزی محیط‌های شهری باید برای افزایش میزان رضایت از سطح زندگی ساکنان طراحی شود. از این رو، بررسی رابطه میان خصوصیات محیط‌های شهری و کیفیت زندگی ساکنان بسیار مهم است (Talmage et al., 2018). همچنین با توجه به اینکه توسعه پایدار و کیفیت زندگی بر نیازهای انسانی تأکید دارند (Vita 2019) بر این اساس و با عنایت به اینکه کیفیت زندگی انسانی تابعی از سطح نیازهای انسانی و میزان رضایت افراد یا گروه‌ها از این سطح یا به عبارتی تابعی از تعامل نیازهای انسان و درک ذهنی از تحقق آنهاست. از این رو با تلفیق ارزیابی‌های عینی و ذهنی از میزان رضایت یا تحقق نیازها به عنوان مکمل یکدیگر می‌توان تصویری کامل‌تر و مفیدتر از کیفیت زندگی شهری در مقیاس‌های مختلف مکانی و زمانی به دست آورد. در نتیجه رویکرد جامع تلفیقی در این مطالعه با ادغام شاخص‌های عینی و ذهنی به دنبال آن است که خلاءهای موجود در مفاهیم و ابزار سنجش را پر کند. از این‌رو هدف تحقیق حاضر ارائه روشی برای سنجش

(et al., 2016). مطالعه کیفیت زندگی در دو بافت قدیمی و جدید شهر سنندج نشان می‌دهد، کیفیت زندگی در بافت جدید، مطلوب‌تر از بافت قدیمی است. بررسی میانگین امتیازات رضایتمندی ساکنان بیانگر آن است، در محله ظفریه، بیشترین میزان رضایتمندی ساکنان، از محیط فیزیکی است؛ در حالی که در محله قطارچیان، بیشترین رضایت از محیط اجتماعی است (Meshkini et al., 2016). نتایج مدل‌سازی ارزیابی کیفیت زندگی شهری با استفاده از سنجش از دور و GIS نشان داد که اغلب بلوک‌ها در فصول بهار و پاییز از نظر زیست‌محیطی شرایط مطلوب‌تری نسبت به فصول زمستان و تابستان دارند. بر عکس در بعد زیرساختی/کالبدی فصل تابستان وضعیت مطلوب‌تری را نسبت به سایر فصول نشان می‌دهد (Kazemzadeh et al., 2018)، شکوفایی شهری عملکرد دوگانه دارد: اولاً، آن به عنوان یک بستر برای مقایسه‌پذیری عمل می‌کند که در آن شهرها می‌توانند وضعیت خود را ارزیابی کنند. ثانیاً، به عنوان ابزار سیاست استراتژیک عمل می‌کند که در آن داده‌ها و اطلاعات با نیازهای محلی و متناسب سازگار می‌شوند و برای اندازه‌گیری پیشرفت و شناسایی نقص در ابعاد مختلف رفا استفاده می‌شود (Rahspar Tolouei et al., 2019). در ارزیابی کیفیت زندگی شناخت ماهیت مفاهیم اساسی روان‌شناختی، اجتماعی، کالبدی و اقتصادی بسیار ضروری است (Alborz, 2017)، تحقیقات کیفیت زندگی با افزایش تمرکز بر کیفیت زندگی شهری، به رشد شهرنشینی در جهان پاسخ می‌دهد. کیفیت زندگی شهری کل‌نگر است و با کیفیت زندگی هماهنگ است و کیفیت زندگی شهری رضایت از زندگی در یک شهر و کیفیت مکان در آن است (Murgáš & Klobučnik, 2018) هر رویکردی برای سنجش کیفیت زندگی حاوی اطلاعاتی است که برای آینده شهرها مهم هستند (Morris, 2019). ارزیابی شاخص‌های ذهنی کیفیت زندگی برای بهزیستی در زمینه رسیدن به استراتژی توسعه پایدار در شهرها امری حیاتی است (Musa et al., 2019). در تحقیقات امروزی در مورد کیفیت زندگی در شهرها تأکید بر رضایتمندی ساکنین از سطح محل زندگی‌شان هست (Murgáš & Drápela, 2019). هر

کیفیت زندگی شهری از طریق ارزیابی یکپارچه و تلفیقی شاخص‌های عینی و ذهنی در محلات شهری براساس نیازهای انسانی است که هم مبتنی بر ادراک ذهنی افراد از فضای شهری و هم مبتنی بر داده‌های عینی محیط است که برای ارزیابی سطح کیفیت زندگی شهری به صورت یکپارچه در شهر تبریز در محله شتربان، از چارچوب مفهومی توسعه در مقیاس انسانی (HDS) مکس-نیف استفاده شد و به منظور دستیابی به شاخص نهایی و یکپارچه از ارزیابی کیفیت زندگی شهری (QoUL) داده‌های عینی-ذهنی باهم مقایسه شده‌اند. در نتیجه با استفاده از چارچوب نیازهای اساسی انسان، رویکردی چند بعدی به عنوان مبنایی برای برآورد در پیش گرفته شد و در انتها براساس نتایج به دست آمده، پیشنهادهایی جهت بهبود سطح کیفیت زندگی محلات ارائه شده است.

1-1- مروری بر پیشینه پژوهشی

کیفیت زندگی از مفاهیم جدیدی است که در ادبیات علمی استفاده می‌شود. در سال‌های اخیر مطالعات بسیاری در این حیطه انجام شده است (Marsousi et al., 2015). هرگونه راهکار ساماندهی، در رابطه با کیفیت زندگی ساکنان مناطق غیر رسمی در صورتی موفقیت‌آمیز خواهد بود که مبتنی بر مطالعه‌های موردی و با تأکید بر سلاقی، انگیزه‌ها، توان و خواست ساکنان باشد. در غیر این صورت، موجب تحریک و تشدید آن خواهد شد (Ziari and Rafiee, 2015). کیفیت زندگی یکی از شاخص‌های اساسی و اصلی و نمایانگر توسعه در هر جامعه و کشوری است. آگاهی و شناخت از شاخص‌های کیفیت زندگی و مطالعه و مقایسه آن در طول زمان‌ها در هر جامعه‌ای بیانگر این است که وضعیت زندگی مردم طی زمان بهبود یافته یا دچار رکود شده است (Pourahmad et al., 2017). به طور کلی بررسی وضعیت ساختار محیط زیست شهر اهواز نشان از ناکارآمدی مدیریت محیط زیست شهری است که نیازمند یک برنامه ریزی منسجم (با دید کل‌نگر و همه‌جانبه‌نگر) و مدیریت صحیح زیست‌محیطی به منظور ارتقاء سطح رضایتمندی و کیفیت زندگی شهروندان این شهر است (Amanpour

جدول 1- تعریف کیفیت زندگی از دیدگاه محققان
 Tab. 1- Defining life quality from the perspective of researchers

تعریف	سال	محققین
کیفیت زندگی به عنوان رضایت شخصی یا رضایت از محیط و زندگی شامل نیازها و امیال و دیگر عواملی که تعیین کننده رفاه همه جانبه است و نیز به عنوان منابع ضروری برای رضایت از نیازهای شخصی، خواسته ها و آمال، مشارکت در فعالیت هایی که موجب توسعه شخصی می شود و رضایت مقایسه ای میان خود و دیگران تعریف شده است	1978	Sin and Johnson
کیفیت زندگی را به عنوان درجه و میزان رضایت از زندگی دانسته که از یکسو با عوامل عینی و ازسوی دیگر با عوامل ذهنی تعریف می شود	1980	Szalai
کیفیت زندگی یک فرد به حقایق بیرونی و عینی زندگی اش و ادراک درونی و ذهنی که وی از این عوامل و خویشتن دارد، وابسته است	2000	Dissart & Deller
حداقل نیازها برای سنجش توانایی شهروندان برای دستیابی به خدمات سلامتی کافی مسکن، مراقبت بچه ها، آموزش و امنیت عمومی دانسته است	2001	Kline
ایده های یک زندگی خوب، یک زندگی با ارزش، یک زندگی رضایت بخش و یک زندگی شاد	2006	McCrea et al.
میزان تأمین نیازهای عینی انسانی در رابطه با ادراک افراد و گروه ها از بهزیستی ذهنی	2007	Costanzo
میزان تأمین و برطرف ی همزمان نیازهای مادی و معنوی انسان	2007	Rinner
میزان رفاه افراد و گروه ها در شرایط اجتماعی و اقتصادی عمومی	2008	Moro et al.
رضایتمندی که یک شخص از شرایط فیزیکی و انسانی اطراف دریافت می کند، شرایطی که وابسته به مقیاس است و می تواند بر رفتار افراد و گروه هایی مانند خانوارها و واحدهای اقتصادی تأثیر بگذارد	2011	Marans and Stimson
مربوط به موفقیت و رفاه عمومی افراد	2013	Mohit
زندگی آسوده در یک محیط زیست سالم به دور از هرگونه آلودگی و با دسترسی مطلوب به نیازهای اساسی	2015	Marans

به عبارتی کیفیت زندگی یک مفهوم چندرشته ای و چندبعدی است. این مفهوم مبهم و همه جانبه باید با یک رابطه شبکه ای بین ابعاد مختلف نشان داده شود،

فعالیت انسانی به دنبال ارتقا کیفیت زندگی است، مفهوم کیفیت زندگی یک مفهوم جهانی است که شامل همه مراحل زندگی می شود به خصوص در رابطه با مطالعات شهری ارزیابی کیفیت زندگی شهری اهمیت بسیاری دارد (Aminian, 2019). مرور تحقیقات انجام گرفته حاکی از آن است، بیشتر محققین در ارزیابی کیفیت زندگی با تأکید بر ابعاد مختلف زندگی، شاخص های عینی و ذهنی را جدا از یکدیگر در نظر گرفته اند و از لحاظ چارچوب مفهومی و روش شناسی تاکنون الگوی واحدی ارائه نشده است و با عنایت به اینکه کامینز در مطالعات خود نتیجه گرفته است، هر سنجش جامع از کیفیت زندگی باید شامل اندازه گیری عینی و ذهنی باشد (Cummins, 2005). در این راستا مطالعه حاضر با ارزیابی یکپارچه و تلفیق شاخص های عینی و ذهنی به عنوان مکمل یکدیگر و با توجه به نیازهای بنیادین انسانی موضوعی که تا به حال در کشور به آن پرداخته نشده، سعی کرده است، به محدودیت های موجود در سنجش شاخص های کیفیت زندگی شهری بپردازد تا بتواند گامی مؤثر در فرایند موضوع پژوهش قلمداد شود.

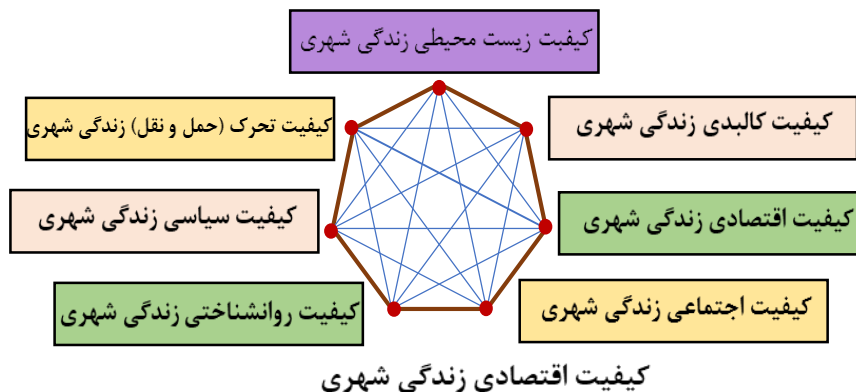
1-2-1- مبانی نظری

1-2-1- کیفیت زندگی شهری

کیفیت زندگی ساختاری چند بعدی است و نمی توان بدون ابهام تعریف کرد (Diener and Suh, 1997) و با سایر مفاهیم رفاه مانند توسعه انسانی، کیفیت اجتماعی، سطح زندگی و غیره همپوشانی دارد (Mandič, 2005). به معنای گسترده تر این اصطلاح، شامل عناصر عینی و ذهنی است و به عنوان میزان تحقق نیازهای عینی انسان در رابطه با ادراک شخصی یا گروهی از بهزیستی ذهنی تعریف شده است (Costanza et al., 2007). در جدول 1 به تعاریف این مفهوم اشاره شده است. با توجه به تعاریف گسترده و مختلف و با اذعان به محوریت میزان تأمین و برطرف ی نیازها در سطح کیفیت زندگی و به منظور دوری جستن از اغتشاش فکری، در مطالعه حاضر تعریف تأمین توام نیازهای مادی و غیر مادی مبنای عمل جهت سنجش سطح کیفیت زندگی قرار گرفته است.

مرتبط با احساس شهروندان نسبت به همسایگان، مانند هویت مکان مورد بحث قرار می‌گیرد. بعد ششم، کیفیت زندگی اقتصادی شهری است که محله را مکان فعالیت‌های اقتصادی توصیف می‌کند. سرانجام بعد هفتم، تحت عنوان کیفیت سیاسی زندگی شهری، به سیاست‌های شهر اشاره دارد که از مفهوم کیفیت زندگی شهری و میزان اجرای این سیاست‌ها حمایت می‌کند (Serag El Din et al., 2013). بر خورد مناسب با رویکرد کیفیت زندگی در مطالعات شهری چه در سطح جهت‌گیری فلسفی، پایه‌های مطالعاتی و معرفتی و چه در سطح کاربردی و اجرایی بدون در نظر گرفتن ملاحظات مربوطه کارساز نخواهد بود. لذا با تبیین ابعاد مختلف این اندیشه زمینه مناسب را برای برخورد و به کارگیری و نقد تجارب گذشته و ترسیم آینده پیشرو در طراحی شهری فراهم می‌آورد (Bahraini et al., 2015). ولی بی شک زمانی می‌توان از این ابعاد در برنامه‌ریزی و طراحی شهری استفاده نمود که چارچوب مفید و مناسب سنجش کیفیت زندگی شهری تدوین شود. با عنایت به اینکه توسعه پایدار و کیفیت زندگی بر نیازهای انسان تمرکز دارند و توسعه پایدار به عنوان تأمین کننده نیازهای انسانی بدون خدشه‌دار کردن سرمایه طبیعی و اجتماعی تعریف می‌شود و کیفیت زندگی نیز در نتیجه برطرفی نیازهای جسمی، روانی و اجتماعی است که این نیازها را می‌توان با ابزارهای غیر مادی یا مادی تأمین کرد (Vita et al., 2019).

در حالی که کیفیت زندگی شهری نتیجه ارتباط این ابعاد است. چنین روابطی با توجه به اماکن و جوامع مختلف تعیین می‌شود. بدیهی است که نمی‌توان کیفیت زندگی شهری یک مکان خاص را تنها با یک بعد درک کرد، بلکه باید از طریق ارتباط بین ابعاد آن را درک کرد (Biagi et al., 2018). هفت بعد اصلی که در تحقق کیفیت زندگی شهری کمک می‌کنند، تا بتوان کیفیت زندگی شهری را استنباط نمود (Mittal et al., 2019) عبارتند از: کیفیت زیست‌محیطی زندگی شهری؛ کیفیت کالبدی زندگی شهری؛ کیفیت تحرک و پویایی زندگی شهری؛ کیفیت اجتماعی زندگی شهری؛ کیفیت اقتصادی زندگی شهری؛ کیفیت سیاسی زندگی شهری؛ این ابعاد به هم پیوسته و به یکدیگر وابسته هستند، شکل (1) بیانگر این رابطه است (Marans, 2015)، بعد اول، به طور کلی با عنوان کیفیت زیست‌محیطی زندگی شهری، به جنبه‌های طبیعی محله اشاره دارد. بعد دوم، کیفیت زندگی فیزیکی شهری، به امکانات، بافت شهری، کاربری زمین، خدمات و امکانات و زیرساخت‌ها اشاره دارد. بعد سوم، کیفیت تحرک زندگی شهری، در مورد قابلیت دسترسی، ترافیک و حمل‌ونقل بحث می‌کند. بعد چهارم با عنوان کیفیت اجتماعی زندگی شهری شامل شاخص‌هایی است که به بعد اجتماعی محله و تعامل مردم، سوآلاتی در مورد انتخابات فردی و مشارکت شهروندان اشاره دارد، در مورد بعد پنجم، کیفیت روان‌شناختی زندگی شهری، مباحث



شکل 1- ابعاد کیفیت زندگی شهری (El Din et al., 2013)

Fig. 1 - Dimensions of quality of urban life (El Din et al., 2013)

از این رو در این مطالعه با توجه به ارتباط بین پایداری و کیفیت زندگی و رابطه آنها با نیازها، چارچوب نیازهای بنیادین انسانی (HDS) برای سنجش کیفیت زندگی شهری و تعیین شاخص‌ها به کار برده شده است.

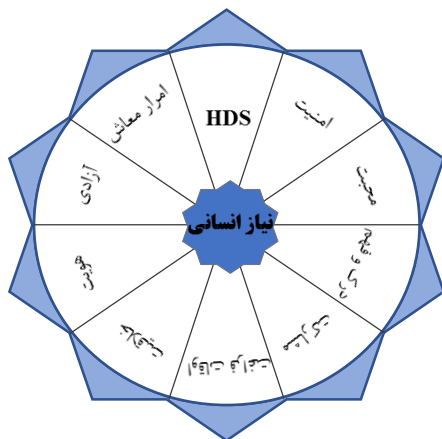
1-2-2- شاخص‌های ذهنی و عینی

سال‌هاست دانشمندان استدلال می‌کنند "کیفیت" هر موجودیتی دارای ابعاد ذهنی است که ادراکی بوده و همچنین دارای یک واقعیت عینی است (Van whrite, et al., 2014). ارزیابی کلی از تجربه انسانی معمولاً با اصطلاح کیفیت زندگی (QoL) درک و بیان شده است (Tiran, 2016). این اصطلاح یا نشان‌دهنده چگونگی برآورده شدن نیازهای بشر یا نشان‌دهنده میزان رضایت یا نبرطرفی درک شده توسط افراد و گروه‌ها در حوزه‌های مختلف زندگی است. تحقیقات اخیر در کیفیت زندگی عموماً بر دو روش اصلی ارزیابی متمرکز است: الف) ذهنی: بررسی سطوح شادی، لذت یا اغنا که توسط خود افراد گزارش شده است و به‌طورکلی با اصطلاح بهزیستی ذهنی توصیف می‌شود (Diener et al., 2018)، ب) عینی: استفاده از شاخص‌های اجتماعی یا اقتصادی دارای قابلیت کمی شدن برای نشان دادن میزان برآورده شدن نیازهای بشر. رویکرد ذهنی، مسائل "نرم" مانند رضایت از درآمد و کیفیت‌های مشخصات سکونت را در نظر می‌گیرد (Nanor et al., 2018) تمرکز این رویکرد، بیشتر روی رفتار افراد و به‌طورکلی برآورد یا ارزیابی آنان از جنبه‌های کیفیت زندگی است. اساس این رویکرد، تحقیقات پیمایشی است که آغاز آن در دهه 1960 بوده است و هدف آن، گردآوری برآوردهای پاسخ‌دهندگان از تجربیات زندگی خود به شکل گزارش‌های خودسنجی از خوشبختی، رضایت، اغنا، بهزیستی یا برخی مترادفات دیگر است. این نظرسنجی‌ها بیانگر اهمیت درک شده توسط پاسخ‌دهنده از هر یک از حوزه‌های مطالعاتی است. (Genoveva & Camporro, 2020) ساده‌ترین و واضح‌ترین تکنیک این است که صرفاً از افراد بپرسید که چه احساسی دارند و سپس پاسخ‌های آن‌ها را با استفاده از مقیاس‌های تک‌موردی و چندموردی مانند مقیاس رضایت از زندگی ارزیابی شود (Skevington &

Böhnke, 2018) مشکلی که در این نوع روش‌ها وجود دارد این است که اکثر مردم می‌خواهند چهره‌ای شاد را به جهانیان ارائه دهند. مسائل دیگری که ممکن است بر پاسخ فرد تأثیر بگذارد عبارت‌اند از: درونی‌سازی هنجارهای فرهنگی، بیماری روانی، کمبود اطلاعات و غیره. مشکلات شناختی ناشی از تأثیر ترتیب سوالات، جمله‌بندی سوالات و اختلاف در مقیاس‌ها نیز ممکن است منجر به سوگیری (تعصب) در پاسخ‌های به‌دست‌آمده شود (Zayyanu & Abubakar, 2019)، علاوه بر این، اختلافات فرهنگی و دشواری‌های ترجمه ممکن است سوگیری‌های دیگری را ایجاد کند. از این رو، ارزیابی‌های ذهنی معمولاً در ترسیم تطبیق اولویت مشکل دارند و همچنین این واقعیت وجود دارد که افراد میزان خوشبختی خود را معمولاً در مقایسه با هم‌طیفان خود قضاوت می‌کنند، نه به طور مطلق. با این حال، پاسخ شخص نباید نادیده گرفته یا تفسیر به خلاف آن شود (Zayyanu et al., 2018)، با این وجود، رویکردهای عینی نیز وجود دارند که محدود به تجزیه و تحلیل و گزارش داده‌های ثانویه هستند. این داده‌ها معمولاً داده‌های جمع‌آوری شده در مقیاس‌های مختلف جغرافیایی یا مکانی و عمدتاً متشکل از مجموعه داده‌های رسمی دولت از جمله سرشماری‌هاست که اغلب مرتبط با تحقیقات شاخص‌های اجتماعی است (Chen et al., 2016). به عبارت دیگر، رویکرد عینی بر ارزیابی حقایق "سخت"، متمرکز است. این رویکرد، میزان دفعات یا مقادیری را نشان می‌دهد که می‌توانند به‌طور هم‌زمان توسط هر تعداد از افراد اعتبارسنجی شوند. آن‌ها به عنوان مثال شامل شاخص‌های تولید اقتصادی، میزان سواد، امید به زندگی و سایر داده‌ها هستند. همچنین این داده‌ها می‌توانند بدون نظرسنجی مستقیم جمع‌آوری شوند و سپس یا به صورت یکتا یا به صورت ترکیبی برای ایجاد شاخص‌های ترکیبی مورد استفاده قرار بگیرند (Zayyanu, 2016). بنابراین در تلاش برای تعریف و ارزیابی رویکردهای مختلفی پیش رو قرار دارد که شامل شاخص‌های عینی یا ذهنی هستند. استفاده از هر یک از این روش‌ها به‌طور جداگانه محدودیت‌هایی دارد. در حالی که ارزیابی‌های عینی می‌توانند تصویری از چگونگی

بر این به عنوان منابع ضروری برای رضایت از نیازهای شخصی، خواسته‌ها و آمال، مشارکت در فعالیت‌هایی که موجب توسعه شخصی می‌شود و رضایت مقایسه‌ای میان خود و دیگران یاد شده است (Bowling, 1997).

در رابطه با کیفیت محیط زندگی و نیازهای اساسی انسان، مازلو سلسله‌مراتب نیازهای انسانی را ترسیم نمود که به ترتیب عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیک، نیازهای امنیتی، نیازهای عاطفی، نیازهای اجتماعی-احترامی و نیازهای خودشکوفایی (Maslow, 1954). از نظر ماکس-نیف، کیفیت زندگی نتیجه تأمین نه نیاز اساسی انسان است (شکل 2): امرار معیشت، امنیت (حفاظت)، خلاقیت، هویت، محبت، مشارکت، درک و فهم، اوقات فراغت و آزادی (Max-Neff, 1992). به زعم ماکس-نیف و همکارانش همه آنچه که ما داریم و انجام می‌دهیم و فضاهایی که در آنها با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنیم و مهارتهایی که ایجاد می‌کنیم، برطرف کنندگان بالقوه‌ای هستند که به کیفیت زندگی کمک می‌کنند (Vita et al., 2019). پس می‌توان گفت مکس نیف با ارائه چرخه توسعه در مقیاس انسانی HDS از طرفی به دنبال طرحی جدید و نگاه همه‌جانبه از توسعه است که با ابعاد وجودی و ارزشی انسان و نظام نیازهای بنیادین انسانی و مسائل بومی موجود در محیط خانوادگی و اجتماعی و طبیعی مناسبت بیشتری دارد، از سویی دیگر، این چارچوب مبتنی بر توسعه پایدار است و جوامع را قادر می‌سازد تا در مسیرهای توسعه خود تأمل کنند.



شکل 2- چرخه توسعه در مقیاس انسانی (HDS) مکس-نیف (Max-Neff, 1991)

Fig. 2- Max-Neff Human Development Scale (Max-Neff, 1991)

برآورده شدن نیازهای جسمی و اجتماعی ارائه دهد، اما محدود و مغرضانه است و نمی‌تواند بسیاری از موضوعاتی که در آن نقش دارند از جمله هویت، مشارکت (مداخله) و امنیت روانی را پوشش دهند. به عبارت دیگر، آن‌ها قادر به سنجش احساس مردم در مورد زندگی خود نیستند. شاخص‌های عینی در واقع نماینده‌هایی برای تجارب شناخته شده از طریق تداویات ذهنی تصمیم‌گیرندگان هستند و بسیاری از آن‌ها به جای ارزیابی خود خوشبختی، صرفاً فرصت‌هایی را ارزیابی می‌کنند که افراد برای بهبود خوشبختی‌شان دارند. صرفاً استفاده از ارزیابی‌های ذهنی نیز دارای نقص‌هایی است. آن‌ها در ترسیم تطبیق اولویت و این واقعیت که مردم بهزیستی خود را در مقایسه با هم طیفان خود قضاوت می‌کنند و نه به‌طور مطلق، نیز مشکل دارند. در نتیجه، در این مطالعه از تعریف یکپارچه کیفیت زندگی شهری استفاده شده است، با یکپارچه‌سازی ارزیابی‌های ذهنی و عینی می‌توان تصویری واقع‌بینانه‌تر از ورودی‌ها و متغیرهای مهم به‌منظور بهبود کیفیت زندگی شهری به دست آورد.

1-2-3- نیازهای انسانی و کیفیت زندگی

ایده اصلی نظریه نیازهای انسان این است که تعداد محدودی از نیازهای بدیهی، غیر قابل مقایسه و غیر سلسله‌مراتبی وجود دارد که دامنه توانایی‌ها یا ابعاد بهزیستی انسان را در بر می‌گیرد. این نیازها پیش‌نیازهای بهزیستی در جامعه هستند و فقط در صورت تأمین نیازها می‌توان به بهزیستی دست یافت (Brand-Correa & Steinberger, 2017). به عبارتی کیفیت زندگی شهری وسعت نیازهای انسانی برآورده شده در ارتباط با ادراکات فرد و گروه از بهزیستی ذهنی در نظر گرفته می‌شود. ارتباط بین برآورده شدن نیازهای انسانی و رضایت ادراک شده از برآورد هر یک از نیازها می‌تواند به وسیله ظرفیت روحی، زمینه فرهنگی، ارزش‌ها، تحصیلات، ارتباطات، اطلاعات، دوست داشتن تحت تأثیر واقع شود (Biderman, 1974; Kim, 2002)، بنابراین کیفیت زندگی را می‌توان به عنوان رضایت شخصی یا رضایت از محیط و زندگی شامل نیازها و امیال و دیگر عواملی که تعیین کننده رفاه همه جانبه هستند، تعریف نمود. علاوه

همچنین برخلاف طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی مازلو از نیازها، ماکس-نیف تصویر افقی از نیازها را ارائه نموده است که در پشتیبانی این نوع طبقه‌بندی تحقیقات داینر و همکاران¹ (2003)، تی و داینر² (2011)، ویلسون و همکاران³ (2013) و پول و همکاران⁴ (2017) نیز گزارش کردند، نیازها به طور منصفانه مستقل از یکدیگرند.

در نتیجه، این مطالعه با تکیه بر زبان نیازهای انسانی و با تمرکز بر چرخه توسعه مکس-نیف به عنوان چارچوب مفید و مناسب برای سنجش کیفیت زندگی، لیستی از نیازها را به عنوان پایه‌ای برای ارائه مجموعه شاخص‌های تلفیقی کیفیت زندگی شهری پیشنهاد شده است، چرا که زبان نیازها واضح‌تر و مفیدتر است و با اذعان به اینکه جوهر اصلی کیفیت زندگی شهری، تأمین و برطرف‌ی همزمان نیازهای مادی و معنوی انسان است (Rinner, 2007) و با توجه به شرایط فرهنگی-مذهبی حاکم در محلات شهرهای ایرانی و جهت بومی‌سازی دسته نیاز معنویت به ماتریس کاربردی ماکس-نیف اضافه شده که به معنای در برگیری احساس تعالی یا ارتباط با یک سیستم یا قدرت بزرگتر است. بدین ترتیب این لیست از ادغام ماتریس نیازهای انسانی مکس-نیف (1991) با نیاز معنویت نوسبام و گلوور⁵ (1995) از قابلیت‌های اساسی عملکرد انسانی ارائه شده حاصل شده است.

چرخه توسعه در مقیاس انسانی (HDS) براساس تعریف نیازهای انسانی و عوامل برطرف‌کننده متناظر با آن‌هاست. نیازهای انسانی نشانگر محدوده‌ها و درعین حال پتانسیل‌های فردی و جمعی انسانی است. برخلاف ویژگی‌های نیازها، ابزارهای به کار رفته برای برطرف نمودن نیازهای انسانی از نظر فرهنگی، اجتماعی و زمانی انعطاف‌پذیرند. ماکس-نیف (1991) اصطلاح برطرف‌کنندگان را برای توصیف روش‌های خاص فرهنگی که نیازهای جهانی را در عمل برآورده می‌کند، ابداع کرد. تنوع ذاتی برطرف‌کنندگان، شناسایی و مقایسه حالات کاملاً جایگزین عملکرد اجتماعی و سیستم‌های تأمین

فیزیکی را امکان‌پذیر می‌سازد. انعطاف‌پذیری برطرف‌کنندگان این امکان را داده است تا موفقیت جوامع مختلف را در تأمین نیازهای انسان ارزیابی کنند (Brand-Correa & Steinberger, 2017). این نیازهای انسانی در جوامع و در طول زمان تغییرناپذیر است. در حالی که دیگر چارچوب‌های نیاز انسانی برطرف‌کنندگان جهانی را تعریف می‌کنند، ماکس-نیف استدلال می‌کند که استراتژی‌های برطرف‌ی نیازهای انسانی کاملاً انعطاف‌پذیر است و توسط هر فرد یا گروه تعیین می‌شود. از این‌رو، برطرف‌کنندگان بر اساس انواع مختلف سرمایه طبیعی، اجتماعی و فرهنگی می‌توانند پایدار یا ناپایدار باشند (Vita et al., 2019). برطرف‌کنندگان نیازها به این صورت است که امرار معاش بسیار متکی به غذا و مسکن و خدمات است و حفاظت و امنیت شامل مراقبت‌های سلامت، ایمنی و امنیت مالی است و می‌تواند توسط طیف وسیعی از ابزارها تأمین شود.

خلاقیت شامل ابزارهایی برای ایجاد خلاقیت عملی در امور رسمی و غیر رسمی و استفاده از مهارت‌های هنر و پیشه برای اهداف مادی است و آزادی به عنوان انعطاف‌پذیری مکانی و زمانی شناخته می‌شود و به مواردی که باعث صرفه‌جویی در وقت می‌شود متکی است. اوقات فراغت شامل تفریح و خدمات تفریحی و سرگرمی و هویت، بیشتر به اموری مربوط می‌شود که بیان ترجیحات را امکان‌پذیر می‌کند. مشارکت مربوط به وسایل ارتباطی، رسانه و عضویت در باشگاه‌ها، در حالی که درک و فهم مربوط به خدمات مختلف آموزشی است (Ibid) و برطرف‌کننده معنویت متکی به شرکت در انجمن مذهبی و مشارکت در تجربه‌های متعالی است (Costanza et al., 2007). در جدول 2 لیست نیازهای انسانی به همراه برطرف‌کنندگان و شاخص‌های تلفیقی متناظر با آنها براساس مطالعات صورت گرفته ارائه شده است.

جدول 2- نیازهای انسانی و برطرف کنندگان آن‌ها به صورت تلفیقی (Max-Neff, 1991; Costanza et al., 2007; Vita et al., 2019)

Tab. 2- Human needs and their satisfiers in a combined (Max-Neff, 1991; Costanza et al., 2007; Vita et al., 2019)

نیازهای انسانی	شرح (برطرف کننده مستقیم)	شاخص تلفیقی عینی و ذهنی (مقیاس انسانی)
امرار معاش	غذا، پناهگاه، خدمات بوم‌شناختی حیاتی، خدمات درمانی، استراحت	مصرف کالری، دسترسی به آب و هوای تمیز و امکانات دسترسی به خدمات درمانی
	تغذیه کودکان، زنان باردار	مرخصی زایمان / مراقبت از کودک
	انتقال فرهنگ	آمادگی خانواده برای مراقبت
	خانه	خانه و مراقبت از کودک داخل خانه
امنیت و حفاظت	قوانین اجرایی قابل پیش‌بینی امنیت در برابر خشونت در خانه و محیط‌های عمومی	تجارب خشونت میان فردی
	امنیت امرارمعاش در آینده عدم عبور از آستانه‌های مهم زیست‌محیطی	فعالیت‌های زیست‌محیطی
	مراقبت از بیماران و سالخورده‌گان	کسانی که از والدین سالخورده و غیره مراقبت می‌کنند.
		کسانی که از افراد دارای بیماری‌های مزمن یا حاد مراقبت می‌کنند
محبت	توانایی داشتن دل‌بستگی به چیزها یا افرادی غیر از خودمان	سطح دل‌بستگی به افراد
درک و فهم	دسترسی به اطلاعات	روزنامه، رادیو، تلویزیون، اینترنت، استفاده از اطلاعات خبری
	بصیرت و عقلانیت	تحصیلات
مشارکت	فعالیت معنادار در جهان مشارکت و کنترل روی مسائل سیاسی، جامعه و زندگی اجتماعی، شهروندی	داوطلب شدن، عضویت در انجمن و ...
اوقات فراغت	تفریح، استراحت، آرامش، دسترسی به طبیعت، سفر	استفاده از زمان، انجام فعالیت، صرف هزینه
خلاقیت	بازی، تخیل، اختراع، بیان هنری	استفاده از وقت آزاد حس بازی در کار و غیره
هویت	پایگاه اجتماعی، توانایی شناخت، احساس تعلق، توانایی تمایزگذاری، احساس نسبت به مکان	پایگاه اجتماعی اصلی، احساس نسبت به "مکان"
آزادی	توانایی زندگی کردن برای خود نه برای فرد دیگر پویایی	آزادی شخصی در زمینه‌های مختلف اجتماعی (خانواده، کار، مذهب و غیره)
معنویت	مشارکت در تجارب متعالی شرکت در انجمن مذهبی	تجارب متعالی / معنوی، عضویت در سازمان‌های معنوی زمان صرف شده برای فعالیت‌های معنوی

2- روش تحقیق

روش تحقیق حاضر به صورت توصیفی-تحلیلی و پیمایشی با استفاده از ابزار پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق شامل جمعیت (26942 نفر) محله شتریان شهر تبریز است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران تعداد 378 نفر از ساکنین محله شتریان تعیین شد که برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری تصادفی هدفمند و در دسترس استفاده شد. در انتخاب افراد پرسش‌شونده سابقه سکونت بیش از دو سال و افراد بالای 20 سال و دارای سطح تحصیلات خواندن و نوشتن ملاک عمل قرار

گرفت. جهت برآورد روایی ابزار تحقیق به روش روایی محتوا از نظرات متخصصان و استادان مشرف به موضوع استفاده شد و تمامی گویه‌های سنجش کیفیت زندگی غیر یک سؤال با اصلاحات جزئی مورد تأیید و اجماع خبرگان قرار گرفت. برای پایایی سوالات از آلفای کرونباخ استفاده و برابر با 0.841 به دست آمد که بیانگر پایایی مناسب ابزار تحقیق است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم‌افزار SPSS استفاده شد. روش ارائه شده جهت سنجش سطح کیفیت زندگی در این پژوهش بر مبنای الگوی توسعه در مقیاس انسانی مکس-نیف (1991) است

که شامل دسته نیازهای ارزشی است و دامنه آن مربوط به امرارمعاش، حفاظت، محبت، درک و فهم، مشارکت، اوقات فراغت، خلاقیت، هویت و آزادی است و دسته نیاز معنوی نیز به این الگوی توسعه در این مطالعه اضافه شده است. در این راستا پرسشنامه‌ای حاوی 58 سؤال با گویه‌های پنج مقیاسی طیف لیکرت تنظیم شد، سوالات مربوط به برطرف کنندگان نیاز معیشت پرورش از وجود رضایتمندی از وضعیت مسکن و نوع سکونت، کیفیت مصالح و مصرف انرژی ساختمان‌ها، کیفیت آب و هوا، وضعیت آسایش محیطی، نظافت و پاکیزگی، وضعیت درآمد خانواده، سهولت دسترسی به خدمات درمانی و امکانات رفاهی، کیفیت تغذیه و تأمین مواد غذایی مورد نیاز به‌ویژه کودکان و بزرگسالان، وضعیت مراقبت و نگهداری کودکان بود، سوالات برطرف کنندگان نیاز حفاظت و امنیت در رابطه با پرورش رضایت از وضعیت احساس امنیت کالبدی، عدم مزاحمت در محیط محله و کیفیت حضور قشرهای مختلف در شبانه‌روز (امنیت اجتماعی)، وضعیت امنیت اموال و دارایی ساکنین، کیفیت نظارت و کنترل، کیفیت حفاظت از محیط زیست محله بود. در خصوص برطرف کنندگان نیاز محبت، سوالات میزان رضایت از وجود روابط صمیمی بین افراد محله، وابستگی بین افراد خانواده و اهل محله، وضعیت روابط همسایگی مطرح بود. سوالات مربوط به برطرف کنندگان نیاز درک و فهم پرورش رضایتمندی از خدمات آموزشی، سطح تحصیلات، وضعیت وسایل ارتباطی و رسانه، دسترسی به اینترنت، تلویزیون، رادیو، روزنامه، اخبار روز بود. در رابطه با برطرف کنندگان نیاز مشارکت، وضعیت رضایت از عضویت در انجمن‌ها و باشگاه‌ها، روابط و همکاری میان ساکنان بررسی شدند. در خصوص برطرف کنندگان نیاز اوقات فراغت میزان رضایت از وجود فضاهای تفریحی، بازی، سرگرمی و امکانات و کیفیت آنها، دسترسی به طبیعت، فضاهای سبز و امکان سفر و چگونگی آن بررسی شدند. سوالات برطرف کنندگان نیاز خلاقیت در رابطه با پرورش رضایت از میزان مهارت‌ها و توانایی‌های هنری و شغلی، قدرت تخیل، بازی‌های خلاق، استفاده از شیوه‌های نو در محیط (خانه، کار و محله) و چگونگی آن بود. پرسش‌های مربوط به برطرف

کنندگان نیاز هویت، سؤال از وجود حس اجتماعی و تعاملات میان ساکنان، تعلق خاطر به محیط محله، خاطرات گذشته، شناخت و آگاهی نسبت به محیط، تفاوت و تمایز با سایر محلات بود. سوالات برطرف کنندگان نیاز آزادی در رابطه با پرورش رضایت از سهولت در انجام فعالیت‌ها و پویایی محیط، آزادی فردی، آزادی اجتماعی، آزادی عقیدتی و چگونگی حق انتخاب و گزینش فعالیت‌ها در این سه زمینه (امکان انجام فعالیت‌های مختلف) بود. در خصوص برطرف کنندگان نیاز معنویت میزان رضایت از عضویت در نهادهای مذهبی، شرکت در مراسم مذهبی، مشارکت در امور دینی، انجام فعالیت‌های مذهبی و مدت زمان اختصاص داده شده برای این فعالیت و چگونگی آنها بررسی شد. تحقق همه نیازها به‌طور برابر با اهمیت تلقی می‌شوند زیرا هر نوع نیاز انسانی که برطرف نشده یا به‌طور کافی رفع نشده باشد، نوعی فقر انسانی را آشکار می‌کند که مانع خوشبختی و در نتیجه سبب توسعه آسیب‌های بالقوه می‌شود. آنچه با گذشت زمان و بین فرهنگ‌ها تغییر می‌کند، برطرف کنندگان این نیازها هستند. هیچ تناظر یک به یکی بین نیازها و برطرف کنندگان وجود ندارد. ممکن است یک برطرف کننده به‌طور هم‌زمان در برطرف کردن چند نیاز مختلف یا برعکس نقش داشته باشد. یک نیاز ممکن است برای رفع آن نیاز، برطرف کنندگان مختلفی را بخواهد. این روابط ثابت نیستند؛ ممکن است بسته به زمان، مکان و شرایط تغییر کنند. هر سیستم اقتصادی، اجتماعی و سیاسی روش‌های مختلفی را برای برآورده ساختن نیازهای اساسی انسانی در پیش می‌گیرد. در هر سیستم، این نیازها از طریق تولید یا عدم تولید انواع مختلفی از برطرف کننده‌ها، برطرف می‌شوند (یا برطرف نمی‌شوند). پس از اتمام رویکرد ذهنی، رویکرد عینی نیز به آن افزوده شد. آستانه‌ها و هنجارهای عمومی همیشه برای همه مکان‌ها صادق نیستند و باید مطابق مکان انتخابی و فرهنگ، عادات، آداب و رسوم و سنت‌های ساکنان آن تنظیم شوند. با این وجود، درک آستانه‌های ذهنی همیشه با واقعیت عینی که در آن آستانه‌ها معمولاً تحت فرضیات بی‌طرفانه تعیین می‌شوند، مطابقت ندارند. اما این واقعیت ممکن است بر کیفیت زندگی و برداشتی

c. رضایت مرتبط با این آستانه که با متغیر باینری b_n^0 شناسایی می‌شود، نشان می‌دهد که آیا مقدار کنونی این بعد کوچکتر یا بزرگتر از آستانه است (با مقدار عددی 1) یا نه (با مقدار عددی 0).

d. امتیاز عینی (S_N^0) برای هر نیاز به عنوان مجموع محصول هر وزن (ستون 3) با رضایت آن (ستون 5c).

6. ابعاد تلفیقی اندازه‌گیری QoL با:

a. ابعاد تلفیقی QoL شامل یک متغیر سه‌تایی β_N برای هر سؤال به منظور بررسی اینکه آیا مقدار نهایی مقایسه بین دو نوع اندازه‌گیری برای هر سؤال مثبت، منفی یا خنثی است. زمانی که هر دو شاخص ذهنی و عینی برآورده می‌شود، این نتیجه برابر با 1 واحد است. زمانی که هر دو رفع نمی‌شود، نتیجه برابر با 0 واحد است. زمانی که فقط یکی از دو آن رفع می‌شود، نتیجه برابر با 0.5 واحد است.

b. امتیاز تلفیقی (S_N^1) برای هر نیاز به عنوان مجموع محصول هر وزن سؤال (ستون 3) با متغیر بررسی آن (ستون 6a).

امتیاز در هر نیاز مربوط به مجموع همه امتیاز سوالات همان نیاز است. مجموع‌های بالا و پایین 50% به ترتیب رضایت قوی و ضعیف در نظر گرفته می‌شوند. امتیازات نهایی برای QoL ابعاد عینی (S_N^0)، ذهنی (S_N^S) و تلفیقی (S_N^1) (جدول 3، ردیف آخر) به ترتیب مربوط به میانگین امتیازات عینی، ذهنی و تلفیقی در هر نیاز است.

2-1- محدوده مورد مطالعه

شتریان یا دوه چی یکی از محلات تاریخی و بزرگ شهر تبریز است. این محله از سمت شمال به کوه سرخاب، از سمت جنوب به رودخانه مهران رود، از سمت شرق به محله سرخاب و از سمت غرب به محله امیرخیز محدود شده است. مسجد عرب لر مهمترین مسجد در میان مساجد سی‌گانه محله شتریان است. امامزاده سیدابراهیم، دره گرو و میدان صاحب‌الامر نیز در این محله واقع شده است. محله شتریان مطابق منطقه‌بندی شهر تبریز در بخش جنوب غربی منطقه 10 واقع شده است. محله شتریان با داشتن قدمت زیاد و تاریخ کهن ثبت شده در اسناد بررسی شده، مطابق نقشه زیر (شکل 3 و 4) دارای بافتی فاقد برنامه‌ریزی منسجم و ارگانیک است. ولی در

که مردم از فضا و محیط اطراف خود دارند، تأثیر گذاشته و رویکرد را محدود کند که اگر غیر از این باشد، مفید بود. در نتیجه، شاخص‌های عینی و ذهنی و آستانه‌های آن‌ها باید به‌منظور شناسایی انحرافات احتمالی مقایسه شوند. پس آنها باید با هم در نظر گرفته شود تا انحراف‌های احتمالی را تشخیص دهند، این کار می‌تواند با یک ماتریس انجام شود که در این زمینه از ماتریس باینری (جدول 3) استفاده شد، در این جدول ستون‌ها به روش زیر شناسایی می‌شوند:

1. نیاز.

2. سوالات مربوط به هر نیاز، هر نیاز با تعداد n سوالات ارزیابی می‌شود. برخی از سوالات را می‌توان برای ارزیابی نیازهای مختلف به کار برد (یعنی سؤال 2 برای ارزیابی نیاز A و نیاز B گنجانده می‌شود).

3. وزن سؤال شامل وزن بخشی W_n به عنوان % هر سؤال پس از فرآیند وزن دهی انجام شده توسط گروهی از متخصصان و یا جامعه است (به شکل 2 مراجعه شود). به یاد داشته باشید که یک نیاز در رابطه با گروه خاصی از سوالات است و وزن‌ها برای این سوالات باید تا 100% افزوده شود.

4. بعد ذهنی اندازه‌گیری QoL با:

a. پاسخ که از نظر بالاترین درصد رضایت بیان می‌شود (یعنی در رابطه با مقادیر 4 و 5 در مورد 1 تا 5 مقیاس، یا بله در مورد باینری).

b. آستانه، معمولاً زمانی که بیش از 50% از نمونه است، پاسخ مثبت به یک سؤال است.

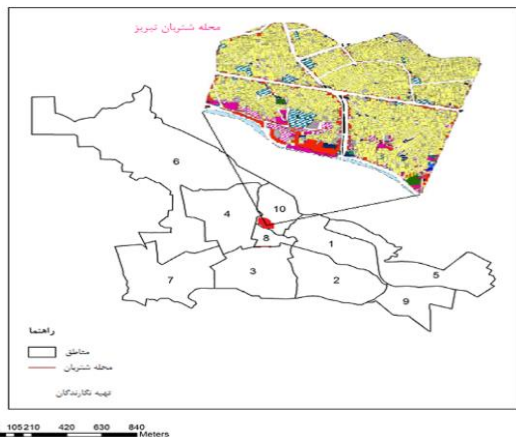
c. رضایت مربوط به این آستانه که با متغیر باینری b_n^5 شناسایی می‌شود، نشان می‌دهد که آیا درصد افراد راضی بیشتر از آستانه یعنی بله (با مقدار عددی 1) است یا نه (با مقدار عددی 0).

d. امتیاز ذهنی (S_N^S) برای هر نیاز و مجموع محصول هر وزن سؤال (ستون 3) با رضایت آن (ستون 4 c).

5. بعد عینی اندازه‌گیری QoL با:

a. مقدار واقعی آیتم.

b. آستانه حد پذیرفته شده بالا یا پایین قانونی برای یک بعد خاص است.



شکل 4- محدوده محله شتربران تبریز
Fig. 4- Area of Shotorban neighborhood of Tabriz

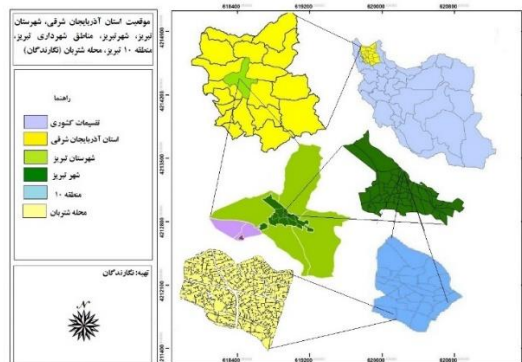
3- نتایج و بحث

3-1- ارزیابی یکپارچه ابعاد عینی و ذهنی کیفیت

زندگی

روش یکپارچه سازی ارزیابی کیفیت زندگی با ابعاد ذهنی و عینی به عنوان روشی کلی است که هرکدام از ابعاد ذهنی و عینی کیفیت زندگی باید مطابق با ضرب وزن سؤال در بررسی‌های متناظر در هر نیاز ارزیابی شوند (مثال جدول 4) ("بله" معادل 1 و "خیر" معادل 0 است).

عین حال همانند ویژگی‌های بافت ارگانیک، واجد نظم قابل بازشناسی است. کوچه‌های بن‌بست، تنگ و پیچ‌درپیچ، واحدهای مسکونی با قدمت بالا از خصوصیات بارز محله است. دو خیابان شمس تبریزی، دارایی دوم و شهید پرویز بهادری خیابان‌های اصلی هستند که محله را پوشش داده‌اند. سایر معابر کوچه‌های نسبتاً باریک و نامنظمند (Naghsh-e-Mohit, 2013).



شکل 3- موقعیت استان آذربایجان شرقی، شهرستان و

شهر تبریز، منطقه 10 تبریز، محله شتربران تبریز

Fig. 3- Location of East Azarbaijan province, Tabriz city, Tabriz 10 district, Tabriz Shotorban neighborhood

جدول 3- ماتریس ابعاد ذهنی، عینی و تلفیقی

Tab. 3- Matrix of mental, objective and integrated dimensions

(1)	(2)	(3)	(4)				(5)				(6)	
			ذهنی				عینی					
نیاز	سؤال	وزن	(a)	(b)	(c)	(d)	(a)	(b)	(c)	(d)	(a)	(b)
A	1	w_1	پاسخ	آستانه	رضایت	امتیاز	مقدار	آستانه	رضایت	امتیاز	بررسی	امتیاز
	2	w_2			b_1^5	S_A^5		b_1^0	S_A^0	β_1	S_N^r	
				$= \sum_n b_n^5 w_n$		b_2^0	$= \sum_n b_n^0 w_n$	β_2	$= \sum_n \beta_n w_n$	
	n	w_n				b_n^5		b_n^0		β_n		
B	2	w_1			b_2^5	S_B^5		b_2^0	S_B^0	β_2	S_B^r	
	3	w_2			b_3^5	$= \sum_n b_n^5 w_n$		b_3^0	$= \sum_n b_n^0 w_n$	β_3	$= \sum \beta_n w_n$	
										
	n	w_3				b_n^5		b_n^0		β_n		
N	i	w_i			b_i^5	S_N^5		b_i^0	S_N^0	β_i	S_N^r	
	j	w_j			b_j^5	$= \sum_n b_n^5 w_n$		b_j^0	$= \sum_n b_n^0 w_n$	β_k	$= \sum \beta_n w_n$	
										
	n	w_n				b_n^5		b_n^0		β_n		
QOL					S_N^5			S_N^0		S_N^r		

امتیازات بین آنها نشان می‌دهد. امتیاز کلی ارزیابی ذهنی با توجه به جدول (4) برابر (64.35) و امتیاز کلی عینی برابر (43.22) شد. این مقادیر نشان‌دهنده این است که افراد پاسخ دهنده تلاش می‌کنند رضای‌تر از آنچه که واقعا هستند به نظر برسند. به بیان دیگر آستانه‌های ایجاد شده به طور عینی در رابطه با واقعیت سخت‌تر هستند و آنها مربوط به چیزی نیستند که مردم در واقع نیاز دارند یا احساس می‌کنند. در مورد بعد ذهنی، در محله شتربان همه نیازها سطحی بالاتر از سطح متوسط رضایت را به دست آوردند (حدود 50% و حتی بالای 50%)، گذران اوقات فراغت با (55.2%) پایین‌ترین و هویت با (98.6%) بالاترین امتیاز را به دست آوردند. اما در محله شتربان در بعد عینی، نیازها رضایتمندی بسیار کمتری نسبت به بعد ذهنی به دست آوردند که، تنها بعد هویت با (55.7%) بالاترین امتیاز و همچنین بالای سطح متوسط رضایتمندی را به دست آورد. در ادامه دوباره در ارزیابی عینی گذران اوقات فراغت کمترین امتیاز با (33.3%) را به دست آورد. از آنجا که نتیجه تلفیقی وابسته به مقدار β_n برای هر سؤال است، نتایج تلفیقی لزوماً مربوط به میانگین هر دو بعد قبلی نیست (یعنی عینی و ذهنی). در مورد محله شتربان مطالعات تلفیقی کیفیت زندگی بین امتیازات ذهنی و عینی قرار می‌گیرد. در سطح نیاز، رضایت تلفیقی بین ابعاد ذهنی و عینی نمایان می‌شود. همچنین در رابطه با ارزیابی تلفیقی عینی و ذهنی کیفیت زندگی در محله شتربان با توجه به جدول (5) و شکل (5c) نتایج نشان داد که محله شتربان از نظر ارزیابی یکپارچه و تلفیقی کیفیت زندگی شهری تنها در 6 مورد در حد متوسط (50%) و بالاتر از آن قرار گرفته است که به ترتیب عبارتند از هویت با (68.14%)، امنیت (65.5%)، معنویت (60.43%)، محبت (58.32%)، درک و فهم با (55.09%) و خلاقیت با (53.22%) و پایین‌ترین امتیاز به ترتیب مربوط به اوقات فراغت با (35.17%)، آزادی (39.19%)، مشارکت با (48.71%) و امرار معاش با (41.35%) است.

برای تسهیل مقایسه، مقدار عددی نهایی را می‌توان به صورت درصد بیان کرد. سپس کیفیت زندگی یکپارچه، به همان روش ولی با استفاده از نمره کل کمی سازی می‌شود. نتیجه در جدول (5) و شکل (5) نشان داده شده است. اعداد بالای 50% نشان‌دهنده رضایتمندی مناسب نیاز مربوطه بود و اعداد زیر 50% به عنوان رضایت کم محسوب می‌شوند. در محله شتربان تبریز برای به دست آوردن نتیجه کلی، میانگین نتایج برای هر نیاز محاسبه شد. هنگام مقایسه آن‌ها، بین نمراتی میانگین عینی و ذهنی تفاوت معنی‌داری مشاهده شد؛ نمره عینی کمتر از نمره ذهنی بود. نتیجه کلی رویکرد یکپارچه چیزی بین نمرات ذهنی و عینی بوده و نتایج این دو را متعادل می‌کند. تمام نیازها از الگوی یکسانی پیروی نمی‌کند. دلیل این امر آن است که هر نتیجه وابسته به گویه‌های قابل اندازه‌گیری در محاسبات است. به طور مثال، در بسیاری از موارد تعداد گویه استفاده شده برای بخش عینی یا ذهنی برابر با تعداد استفاده شده برای ارزیابی یکپارچه نبود. در جدول (4) یک مثال پر شده از ماتریس در محله شتربان ارائه شده و در جدول (5) نشان داده شده است که در آنجا نتایج برای امتیازات عینی و ذهنی حذف شد تا سبب اضافه بار جدول با داده‌های بیش از حد نشود. مشاهده می‌شود که همان سؤال (یعنی از کیفیت هوا در محله راضی هستید؟) وزن متفاوتی برای دو نیاز مختلف دارد (یعنی امرار معاش و امنیت). متخصصان به این سؤال در نیاز امنیتی اهمیت بیشتری قائل هستند. با توجه به آستانه‌های ذهنی، سوالات شامل پاسخی در مقیاس در محدوده 1 تا 5 بود و آستانه‌ها در این موارد در صورتی برآورده می‌شوند که بیش از 50% نمونه آنها بالاتر از 3 رتبه بندی شود. همان فرآیند برای بقیه سوالات برای رسیدن به امتیاز کل (یعنی رضایت) در هر نیاز و بعد و امتیاز نهایی کیفیت زندگی برای محله شتربان استفاده شد. این مقادیر در جدول (4) و شکل (5) به صورت گرافیکی نشان داده شد. نتایج در محله شتربان تبریز تفاوت قابل ملاحظه‌ای را بین امتیازات کلی عینی و ذهنی در شرایط متوسط با

جدول 4- نمونه مقایسه بین شاخص‌های ذهنی و عینی کیفیت زندگی و تلفیق آنها باهم برای محله شتربان تبریز

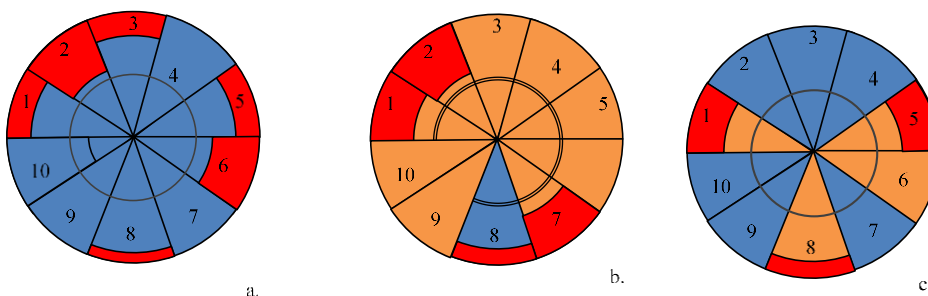
Tab. 4- Sample comparison between subjective and objective indicators of quality of life and their combination for Shtarban neighborhood of Tabriz

(1) نیاز	(2) سؤال	(3) وزن	(4) ذهنی			(5) عینی			(6) تلفیقی	
			(a) پاسخ	(b) آستانه	(c) رضایت	(a) مقدار	(b) آستانه	(c) رضایت	(a) بررسی	(b) امتیاز
معاش	از کیفیت هوا در محله چقدر رضایت دارید؟	1.65%	9.20% 4-5	4- 5≥50%	خیر	میانگین کیفیت هوا=50 ²	50%≤ کیفیت هوا 75 ² ≤	بله	0.5	83%
امنیت	از کیفیت هوای محله چقدر رضایت دارید؟	2.01%	9.20% 4-5	4- 5≥50%	خیر	میانگین کیفیت هوا=50 ²	50%≤ کیفیت هوا 75 ² ≤	بله	0.5	1.01%
معاش	از فضای سبز در محله چقدر رضایت دارید؟	1.65%	9.20% 4-5	4- 5≥50%	خیر	متوسط فضای سبز لازم محله 2متر مربع	فضای سبز شهرها 5متر مربع 8	خیر	0	0%

جدول 5- ارزیابی یکپارچه کیفیت زندگی شهری در محله شتربان تبریز

Tab. 5- Integrated assessment of quality of urban life in Shotorban neighborhood of Tabriz

امتیازات (%)			
نیازهای انسانی	ارزیابی ذهنی کیفیت زندگی	ارزیابی عینی کیفیت زندگی	ارزیابی یکپارچه کیفیت زندگی
1- امرار معاش	72.1	35.5	41.35
2- امنیت	85.11	48.8	65.5
3- محبت	69.2	43.55	58.32
4- درک و فهم	67.7	47.9	55.09
5- مشارکت	58.9	39.3	48.71
6- اوقات فراغت	55.2	33.3	35.17
7- خلاقیت	62.15	43.13	53.22
8- هویت	98.6	55.7	68.14
9- آزادی	65.3	38.16	39.19
10- معنویت	74.5	46.9	60.43
نتیجه کلی	64.35	43.22	52.51



شکل 5- نمایش گرافیکی ارزیابی یکپارچه کیفیت زندگی شهری در محله شتربان تبریز

Fig. 5- Graphic representation of an integrated assessment of quality of urban life in Shotorban neighborhood of Tabriz

مشکلات بهداشت محیط و سیستم حمل و نقل، آلودگی- های صوتی، توزیع نابرابر ثروت و درآمد، نبود انجمن‌های محله‌ای و همکاری اهالی در فرایند برنامه‌ریزی و تصمیمات مربوطه و به دنبال آن عدم تأمین برطرف کنندگان این دسته نیازها منجر به حق انتخاب پایین اهالی و عدم برقراری ارتباط بین فضای موجود و فعالیت و استفاده آنها شده است.

4- نتیجه‌گیری

روند کنونی جهان به سمت شهرنشینی نه تنها منجر به تأثیرات قابل توجهی بر محیط زیست جهانی می‌شود، بلکه به‌طور جدی بر وضعیت عاطفی و جسمی ساکنان شهر تأثیر می‌گذارد. این که میزان خلاقیت یا غیر مولد بودن در شهر چقدر است، کاملاً به نحوه رفتار، کار و زندگی شهروندان آن و همچنین اینکه چگونه محیط فیزیکی، آن‌ها را پذیرفته و خواسته‌های روزانه آن‌ها را برآورده می‌سازد، وابسته است. اگرچه برنامه‌ریزان و طراحان شهری، معماران و جامعه‌شناسان تمایل دارند تا خواسته‌های ساکنان شهر را به منظور تعریف بهترین بافت ممکن شهری برای به کار بردن تئوری‌های خود ارزیابی کنند، اما آن‌ها معمولاً به یکی از ارزیابی‌ها و شاخص‌های عینی یا ذهنی تکیه می‌کنند و در نتیجه تنها بخشی از واقعیت چندوجهی سکونت در شهر و محلات شهری را مورد توجه قرار می‌دهند. درک و احساسات ذهنی که یک شهرنشین از محیط اطرافش به دست می‌آورد، معمولاً بیشتر از صرفاً جمع اجزای تشکیل‌دهنده مجزا و عینی آن است. بنابراین یک ارزیابی یکپارچه برای تلفیق ابعاد عینی و ذهنی به منظور ارزیابی سطح کیفیت زندگی در مورد محلات شهری مورد نیاز است. روش ارائه شده در این مطالعه، رویکرد یکپارچه‌ای را با در نظر گرفتن هر دو جنبه و گنجاندن سوالات مختلف در حوزه‌های ارزشی ارائه می‌دهد تا بتواند آن را در چارچوب مرجع توسعه در مقیاس انسانی ارزیابی کند. دسته‌بندی سوالات براساس نیازها به درک طبقه و دسته‌ای که تمرکز بر یک مسأله می‌تواند در آن انجام شود، کمک می‌کند.

با توجه به داده‌های به‌دست آمده از جدول (5) نمایش گرافیکی ارزیابی یکپارچه کیفیت زندگی در محله شتریان تبریز به صورت شکل 5 نمایش داده شد. در این ارزیابی برای ارزیابی ذهنی کیفیت زندگی با توجه به سطح نیازها و رضایت مندی از آنها گرافیک (a) به دست آمد. برای ارزیابی عینی کیفیت زندگی با توجه به سطح نیازها و رضایتمندی از آنها گرافیک (b) به‌دست آمد. برای ارزیابی تلفیقی کیفیت زندگی با توجه به سطح نیازها و رضایتمندی از آنها گرافیک (c) به‌دست آمد. اعداد روی نمودارها متناسب با هر نیاز است: 1- امرارمعاش، 2- امنیت، 3- محبت، 4- درک و فهم، 5- مشارکت، 6- اوقات فراغت، 7- خلاقیت، 8- هویت، 9- آزادی و 10- معنویت. نمرات خوب (بالای 50%) با رنگ آبی، نمرات خنثی (50%) با رنگ قرمز و نمرات کم (کمتر از 50%) با رنگ نارنجی نشان داده شده است. در نهایت با توجه به شکل گرافیکی به‌دست آمده از مدل ارزیابی یکپارچه کیفیت زندگی در محله شتریان تبریز، نتایج نشان داد، با تلفیق نیازهای عینی و ذهنی، ارزیابی 6 نیاز در سطح متوسط (50%) و بالاتر از آن قرار گرفته که به ترتیب عبارتند از هویت، معنویت، امنیت، محبت، درک و فهم و خلاقیت و در 4 نیاز اوقات فراغت، آزادی، امرار معاش و مشارکت، سطح رضایتمندی پایینتر از سطح متوسط قرار گرفته است. بالا بودن سطح رضایت در دسته نیازهای اشاره شده، با توجه به بافت تاریخی و محیط سالم و امن محله، اماکن مذهبی، قدمت محله و ساکنین اصیل و ریشه‌دار به واسطه روابط همزیستی و وابستگی، احساس تعلق، امنیت فضایی، وجود نظارت طبیعی، خدمات مطلوب آموزشی، سهولت دسترسی به رسانه و وسایل ارتباطی، توانایی و مهارت‌های خلاق ساکنان، مراسم‌های مذهبی و خاطرات جمعی اهالی از رویدادهای اجتماعی و باورهای دینی آنها محقق شده که بیانگر رفتار صمیمانه جمعی و تعاملات انسانی، وجود هویت‌مندی و در نتیجه حس اجتماع محلی است که عامل مهمی برای تأمین نیازها و کیفیت بالای زندگی محسوب می‌شود. با توجه به ارزیابی‌ها پایین بودن سطح رضایت در دیگر دسته نیازها به علت کمبود فضاهای تفریحی و سرگرمی، فضاهای سبز، خدمات رفاهی و درمانی،

نتایج در محله شتران تبریز یک تفاوت قابل ملاحظه‌ای بین امتیازات کلی عینی و ذهنی در شرایط متوسط با امتیازات بین آنها را نشان داد، امتیاز کلی ارزیابی ذهنی برابر (64.35) و امتیاز کلی عینی برابر (43.22) بیانگر این است که افراد پاسخ دهنده تلاش می‌کنند خودشان را راضی‌تر از آنچه که واقعا به نظر می‌آید نشان دهند یا آستانه‌های ایجاد شده به طور عینی در رابطه با واقعیت سخت‌تر است و آنها مربوط به چیزی نیست که مردم در واقع نیاز دارند یا احساس می‌کنند. در بعد ذهنی، در محله نمونه همه نیازها سطحی بالاتر از سطح متوسط رضایت را به دست آوردند که گذران اوقات فراغت با (55.2) پایین‌ترین و هویت با (98.6) بالاترین امتیاز را نشان داد. در بعد عینی، نیازها رضایتمندی بسیار کمتری نسبت به بعد ذهنی به دست آورد که تنها بعد هویت با (55.7) بالاترین امتیاز و سطح بالای متوسط رضایتمندی را به خود اختصاص داد و گذران اوقات فراغت کمترین امتیاز (33.3) را به دست آورد. از آنجا که نتیجه تلفیقی به مقدار β_n برای هر سؤال وابسته است، نتایج تلفیقی لزوماً مربوط به میانگین هر دو بعد قبلی نیست. در مورد محله شتران مطالعه تلفیقی کیفیت زندگی حاکی از قرار گرفتن رضایت تلفیقی در سطح نیازها، بین امتیازات ابعاد ذهنی و عینی است که در 6 مورد بالاتر از سطح متوسط قرار گرفته است و به ترتیب عبارتند از هویت با (68.14%)، امنیت (65.5%)، معنویت (60.43%)، محبت (58.32%)، درک و فهم با (55.09%) و خلاقیت با (53.22%) و پایین‌ترین امتیاز به ترتیب مربوط به اوقات فراغت با (35.17%)، آزادی (39.19%)، امرار معاش با (41.35%) و مشارکت با (48.71%) است. با عنایت به یافته‌های تحقیق، راهکارهای زیر به منظور تأمین نیازهای بنیادین انسانی و در نهایت ارتقای کیفیت زندگی شهری پیشنهاد می‌شود:

- ایجاد فضاهای چندمنظوره چون فضاهای تفریحی، فضاهای سبز، فضاهای بازی کودکان، مراکز فرهنگی، خدمات رفاهی و درمانی مطلوب که می‌تواند با ایجاد فرصت انجام فعالیت‌های مختلف و متنوع و به حداکثر رساندن قدرت انتخاب ساکنان سطح رضایتمندی را ارتقاء بخشد.

- افزایش احساس مسئولیت‌پذیری از طریق همکاری و مشارکت اجتماعی اهالی در برنامه‌ریزی و تصمیمات محله در رابطه با نگهداری، مراقبت و حفاظت.

- تشکیل انجمن‌های محله‌ای در بین جوانان، زنان و سالمندان به منظور آموزش اهالی و ایجاد انگیزه جهت حفظ روحیه تعاون و همکاری و حس هم‌نوعی که نشاط و سرزندگی را به دنبال خواهد داشت.

- ایجاد پاتوق‌های محله‌ای با طراحی و چیدمان مبلمان‌های مناسب و به دنبال آن ارتقای تعاملات و ارتباطات انسانی.

- به منظور کاهش ترافیک و به حداقل رساندن آلودگی‌های صوتی و صرفه‌جویی در مصرف انرژی استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی جایگزین خودرو شخصی شود.

در نتیجه، روشی که در این پژوهش ارائه شد ابزاری ساده برای تعیین کمیت و سنجش سطح فعلی کیفیت زندگی برای مکان‌ها در محله شتران براساس ارزیابی تلفیقی شاخص‌های عینی-ذهنی به عنوان مکمل یکدیگر بود که به عنوان مناسب‌ترین روش ارزیابی، نتایج آن می‌تواند تصویری کامل و منطبق با واقعیت را در اختیار برنامه‌ریزان شهری و تصمیم‌گیران قرار دهد. همچنین می‌تواند برای تعریف شاخص‌های کیفی مفیدتری در شهرها به منظور بهبود ارزیابی‌ها استفاده شود. این ابزار بر مبنای لحاظ کردن نیازهای اساسی ساکنین مطابق با چارچوب توسعه در مقیاس انسانی بود و یک تحلیل مناسب از داده‌های جمع‌آوری شده منجر به ایجاد تصویری بصری به نمایندگی از نمونه‌ی مورد بررسی شد که پیش‌بینی می‌کند، چه چیزی در آن وجود ندارد، چه چیزی اشتباه‌ها رخ داده است و چه چیزی بر کیفیت زندگی شهری شخصی تأثیر می‌گذارد. از این‌رو با گنجاندن ابعاد عینی و مقایسه آن با ابعاد ذهنی، در محله شتران تبریز نتایج همه‌جانبه‌تری به دست آمد، بنابراین مطالعه حاضر از رویکرد نیاز محور در بحث کیفیت زندگی پشتیبانی می‌کند که به منظور بهبود محیط شهری فعلی و دستیابی به یک محیط بهتر، تمرکز تلاش‌ها باید بر روی کیفیت زندگی ساکنان و رضایتمندی از تحقق همزمان نیازهای مادی و غیرمادی

Alborz, A. (2017). The nature of quality of life: A conceptual model to inform assessment. *Journal of Policy and Practice in Intellectual Disabilities*, 14(1), 15-30.

Amanpour, S., Daman bagh, S., & Azarbarzin, N. (2016). An analysis of the role of environmental components in the life quality of citizens (Case study: district 7 of Ahvaz), *Geography, civil engineering and urban management studies*, 2 (4), 1-23. [In Persian]

Aminian, L. (2019). Modelling and measuring quality of urban life: housing, neighbourhood, transport and job. Eindhoven: Technische Universiteit Eindhoven.

Bahraini, S. H., Ali Ghaleh Babakhani, M., & Sameh, R. (2015). Clarifying the nature of the "urban quality of life": An approach in the urban design theories, architecture and urban planning of Armanshahr, 7(13), 151-167. [In Persian]

Biagi, B., Ladu, M. G., & Meleddu, M. (2018). Urban quality of life and capabilities: An experimental study. *Ecological economics*, 150, 137-152.

Bowling, A. (1997). *Measuring Health: A review of quality of life measurement scales*. Main head. Open university press.

Brand-Correa, L. I., & Steinberger, J. K. (2017). A framework for decoupling human need satisfaction from energy use. *Ecological economics*, 141, 43-52.

Chen, S., Cerin, E., Stimson, R., & Lai, P. C. (2016). An objective measure to assessing urban quality of life based on land use characteristics. *Procedia environmental sciences*, 36, 50-53.

Costanzo, R. (2007). Quality of life: An approach integrating opportunities, human needs and subjective well-being, *Ecological economics*, 61(2-3), 267-276.

Çubukçu, E., & Erin, I. (2016). Indicators of quality of life to compare neighborhood units and regional areas: A model to collect data in Turkish

به‌عنوان ابزاری مفید برای ارزیابی وضع موجود مکان‌های شهری و محلات موجود در آن باشد. از طرف دیگر طراحی و برنامه‌ریزی شهری نیز باید در راستای ساخت مکان‌هایی برای مردم و دقیقاً برای برطرف‌ی نیازهای مردم متمرکز شود. از این‌رو برای دستیابی به کیفیت زندگی شهری بهتر، نیاز به یک محیط سالم‌تر و غنی‌تر و امن‌تر و به حداکثر رساندن میزان حق انتخاب کاربران، تأکید بر ارتباط بین فضای طراحی شده، فعالیت‌ها و استفاده وجود دارد. امیدواریم این روش بتواند به اندیشمندان، محققان، تصمیم‌گیران و شهروندان کمک کند تا سرانجام درک کنند و آگاه شوند که برنامه‌ریزی شهری باید در مورد برنامه‌ریزی برای افرادی باشد که در شهر زندگی می‌کنند و نه برنامه‌ریزی برای خود شهر. باید در اینجا خاطر نشان کرد ارزیابی‌های شرح داده شده در مورد محله شتران فقط نشان دهنده و نماینده یک مقطعی از زمان است. هر داده مورد استفاده برای اهداف پیش‌بینی، نیاز به جمع‌آوری در دوره‌های زمانی طولانی و نمونه‌های زیاد دارد تا بتواند به‌طور موفقیت‌آمیز تکامل توأمان انسان‌ها با محیط یا محل زندگی خود را ثبت و یا تبدیل به یک مدل کند و مبنایی ارزشمند برای علم و دانش باشد. در آخر از نظر تحقیقاتی پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی حتماً همه موارد شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی شهری به‌صورت توأمان و یکپارچه با دقت بیشتری مورد ارزیابی و تحلیل قرار گیرد، تا نتایج دقیق‌تر و واقعی‌تری به‌دست آمده و راه‌گشای بسیاری از مشکلات کیفیت زندگی در مکان‌های شهری در سطح محلات باشد.

پی‌نوشت

- ¹ Diener et al
- ² Tay and Diener
- ³ Wilson et al.
- ⁴ Pol et al.
- ⁵ Nussbaum and Glover's

منابع

Ahmadiania, M., & Ferreirab, S. (2019). Environmental amenities and quality of life across the united states, *Ecological economics*, 164, 106341.



- Research Quarterly of Geographical Data (SEPEHR), 27(107), 113-132. [In Persian]
- Low, C.-T., Stimson, R., Chen, S., Cerin, E., Wong, P. P.-Y., & Lai, P.-C. (2017). Personal and neighbourhood indicators of quality of urban life: A case study of Hong Kong. *Social indicators research*, 136(2), 751–773.
- Macke, J., Casagrande, R. M., Sarate, J. A. R., & Silva, K. A. (2018). Smart city and quality of life: Citizens' perception in a Brazilian case study. *Journal of cleaner production*, 182, 717–726.
- Mandič, S. (1999). Stanovanje, kakovost življenja in spremembe v zadnjem desetletju. *Družboslovne razprave* 15, 30-31.
- Marans, R. W. (2015). Quality of urban life & environmental sustainability studies: Future linkage opportunities. *Habitat international*, 45, 47–52.
- Marans, R.W., and Stimson, R. (2011). An overview of quality of urban life. Investigating quality of urban life. Theory, methods and empirical research. New York.
- Marans, R.W. (2015). Quality of urban life & environmental sustainability studies: Future linkage opportunities. *Habitat international*, 45, 47-52.
- Marsousi, N., Farhudi, R., Lajevardi, A. (2015). The cultural and social quality of life in Iran's cities. *Journal of Urban ecology researches*, 6(12), 79-94. [In Persian]
- Max-Neef, M. A. (1991). Human scale development: conception, application and further reflections.
- McCrea, R., Shyy, T.-K., & Stimson, R. (2006). What is the strength of the link between objective and subjective indicators of urban quality of life? *Applied research in quality of life*, 1(1), 79-96.
- Merschdorf, H., Hodgson M.E., & Blaschke, T. (2020). Modeling quality of urban life using a geospatial approach urban sci. 4(5).
- cities, 2nd AQoL2015Izmir, E-BPJ, 1(2), 205-213.
- Cummins, R. A. (2005). Moving from the quality of life concept to a theory. *Journal of Intellectual Disability Research*, 49(10), 699–706.
- Diener, E., Lucas, R. E., & Oishi, S. (2018). Advances and Open Questions in the Science of Subjective Well-Being. *Collabra: Psychology*, 4(1), 15.
- Diener, E., and Suh, E. (1997). Measuring quality of life: economic, social and subjective indicators. *Social indicators research* 40-1.
- El Din, H. S., Shalaby, A., Farouh, H. E., & Elariane, S. A. (2013). Principles of urban quality of life for a neighborhood. *Hbrc Journal*, 9(1), 86-92.
- Elkhouly, A.N., Attia, S.A., & Zayed, M.A. (2019). Quality of urban life indexes' analysis to initiate socio-urban based criteria, *International journal of engineering research and technology*, 12(12). 2273-2283.
- Genoveva, V.A., & Camporro, A.S.C. (2020). A Holistic Approach for Measuring Quality of Life in "La Condesa" Neighbourhood in Mexico City, ALCEA.
- Haslauer, E., Delmelle, E. C., Keul, A., Blaschke, T., & Prinz, T. (2014). Comparing Subjective and Objective Quality of Life Criteria: A Case Study of Green Space and Public Transport in Vienna, Austria. *Social Indicators Research*, 124(3), 911–927.
- Kazemi Khabiri, Kh, Shokouhi. M. A, Kharazmi, O.A, & Bemanian, M.R, (2018). Evaluation of quality of urban life with emphasis on health; A case study in Mashhad city. *Environmental Health Engineering and Management Journal*, 5(1), 57–60.
- Kazemzadeh, A., Neisany Samany, N., Darvishi Bolorani, A., Toomanian, A., & Pourahmad, A. (2018). Assessment of the quality of urban life using remote sensing and GIS. *Scientific-*



Pour Ahmad, A., Ghorbani, R., Farhadi, E., & Doorudinia, A. (2017). A comparative evaluation of life quality in residential neighborhoods, (case study: Kamyaran city). *Geographical urban planning research (GUPR)*, 4(4), 519-548. . [In Persian]

Rahspar Tolouei, G., Habib, F., & Zarabadi, Z. (2019). Measurement of quality of life in Narmak neighborhood of Tehran based on the extended model of City Prosperity Index (CPI-QL). *Haft Hesar J Environ Stud.* 8 (29): 65-76. [In Persian]

Rinner, C. (2007). A geographic visualization approach to multi-criteria evaluation of urban quality of life, *International journal geographic information science*, 21(8).

Serag El Din, H., Shalaby, A., Farouh, H. E., & Elariane, S. A. (2013). Principles of urban quality of life for a neighborhood. *HBRC Journal*, 9(1), 86-92.

Sirgy, M.J., Cornwell, T. (2002). How neighborhood features affect quality of life. *Social indicators research* 59.

Skevington, S. M., & Böhnke, J. R. (2018). How is subjective well-being related to quality of life? Do we need two concepts and both measures? *Social Science & Medicine*, 206, 22-30.

Talmage C.A., Hagen, B., Pijawka, D., Nassar, C. (2019). Measuring neighborhood quality of life: Placed-based sustainability indicators in freiburg, Germany, *Urban Sci.* 2, 106.

Tiran J. (2016). Measuring urban quality of life: Case study of Ljubljana. *Acta geographica Slovenica*, 56(1), 57-73.

UN DESA. (2018). Revision of world urbanization prospects.

Von Wirth, T., Grêt-Regamey, A., & Stauffacher, M. (2014). Mediating effects between objective and subjective indicators of urban quality of Life: Testing Specific Models for Safety and Access. *Social Indicators Research*, 122(1), 189-210.

Meshkini, A., Habibi, K., Rahimi Kakejob, A., & Abdi, M. (2016). Comparative analysis of quality of life in old and new quarters, Zafarieh and Qatarchian Quarters, Sanandaj. *Human geography research*, 48(2), 263-276. [In Persian]

Mittal, S., Chadchan, J., & Mishra, S.K. (2019). Review of Concepts, Tools and Indices for the Assessment of Urban Quality of Life, *Social Indicators Research*, 8.

Mohit, M.A. (2013). Quality of life in natural and built environment – An introductory analysis. *Procedia social and behavioral sciences*, 101, 33-43.

Moro, M., Brereton, F., Ferreira, S., & Clinch, J. P. (2008). Ranking quality of life using subjective well-being data, *Ecological economics*, 65(3).

Morris, E. A. (2019). Do cities or suburbs offer higher quality of life? Intrametropolitan location, activity patterns, access, and subjective well-being. *Cities*, 89, 228-242.

Murgaš, F., & Klobučník, M. (2018). Quality of life in the city, quality of urban life or well-being in the city: Conceptualization and case study. *Ekológia (Bratislava)*, 37(2), 183-200.

Murgaš, F., & Drápela, E. (2019). Quality of urban life in socially excluded communities of liberec region, *International journal of community well-being*, 2(4).

Musa, H. D., Yacob, M. R., & Abdullah, A. M. (2018). Delphi exploration of subjective well-being indicators for strategic urban planning towards sustainable development in Malaysia. *Journal of urban management*.

Naghsh-e-Moheet Consulting Engineers. (2013). Comprehensive Development plan of Tabriz, First Edition. [In Persian]

Nanor M.A, Adarkwa, K.K, Poku-Boansi, M. (2018). A subjective measurement of the determinants of quality of life in Kumasi, 10(1), 212- 242.

